



دانشگاه پیام نور

مرکز تهران واحد لواسانات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی

گرایش علوم قرآن و حدیث

عنوان:

اصول حاکم بر مدیریت فرهنگی در قرآن

استاد راهنما:

دکتر محمدهادی امین ناجی

استاد مشاور:

دکتر ابراهیم فتح الهی

نگارنده:

علی صفدری

بهمن ۱۳۹۵



جمهوری اسلامی ایران
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشگاه پیام نور

باسمه تعالی

تاریخ:
شماره:
پیوست:

واحد لواسانات

صور تجلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

آقای علی صفدری

دانشجوی رشته الهیات - علوم قرآن و حدیث

به شماره دانشجویی ۹۱۷۷۲۸۲۳۸

تحت عنوان:

اصول حاکم بر مدیریت فرهنگی در قرآن

جلسه دفاع پایان نامه کارشناسی ارشد نامبرده با حضور هیات داوران در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ ساعت ۱۱:۴۵-۱۲:۴۵

صبح در محل سالن دفاع واحد لواسانات برگزار و پس از ارزیابی پایان نامه مذکور به شرح زیر ارزیابی گردید.

نمره دفاع بر مبنای ۱۸	نمره دستاورد پژوهشی*	نمره نهایی
۱۶.۵		به عدد
هفت رستم		به حروف
	درجه ارزشیابی	

هیات داوران	نام و نام خانوادگی	مرتبه دانشگاهی	محل خدمت	امضا
استاد راهنما	محمد هادی امین ناجی	استاد	محل خدمت	
استاد مشاور	ابراهیم فتح اللهی	استاد	محل خدمت	
استاد داور	علیرضا پارسا	استاد	محل خدمت	
نماینده تحصیلات تکمیلی				

نمره نامبرده بر اساس بخشنامه ها و دستورالعمل های مربوط به دستاوردهای پژوهشی مستخرج محاسبه و در تاریخ نهایی شده است.

نام و امضای کارشناس پژوهشی مرکز و واحد

* نمره دستاورد پژوهشی برابر دستورالعمل مربوط در مهلت مقرر پس از دفاع تعیین شده و توسط کارشناس پژوهشی محاسبه و نمره نهایی اعلام می گردد.

لواسان - بلوار امام خمینی

دانشگاه پیام نور

تلفن: ۲۶۵۶۴۵۷۵

دورنگار: ۲۶۵۵۰۰۴۰

نشانی الکترونیک

Http://t-lavasan.pnu.ac.ir

تعهد نامه اصالت رسالت / پایان نامه

اینجانب علی صفدري دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپيوسته تخصصی در رشته الهیات و معارف اسلامی گرایش علوم قرآن و حدیث که در تاریخ ۱۳۹۵/۱۱/۱۰ از رساله پایان نامه خود تحت عنوان اصول حاکم بر مدیریت فرهنگی در قرآن با کسب نمره ۱۷/۵ دفاع نموده ام ، بدینوسیله متعهد می شوم.

(۱) این رساله / پایان نامه حاصل تحقیق و پروژه انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه ، کتاب ، مقاله و ...) استفاده نموده ام ، مطابق ضوابط و رویه موجود نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست مربوط ذکر و درج کرده ام .

(۲) این رساله / پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح ، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است .

(۳) چنانچه بعد از فراغت از تحصیل ، قصد استفاده و هر گونه بهره برداری اعم از چاپ مقاله ، کتاب ، ثبت ، اختراع واز این پایان نامه / رساله را داشته باشم . با ذکر نام استادان راهنما و مشاور و درج نام دانشگاه پیام نور اقدام خواهم کرد.

(۴) چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود ، عواقب حقوقی ناشی از آن را می پذیرم و همچنین دانشگاه پیام نور مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار کند و و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت .

نام و نام خانوادگی

تاریخ امضاء

تقدیم به:

همسر عزیزم که صبورانه و با مهربانی در تسهیل مسیر همراه و یاور همیشگی‌ام
بوده و وجودش سرشار از مهر و محبت و مایه آرامش و روشنایی در زندگی
است.

فهرست مطالب

عناوین	صفحه
چکیده.....	۱
فصل اول : کلیات	۳
۱-۱- مقدمه.....	۴
۱-۲- تعاریف.....	۶
۱-۲-الف- معنای لغوی مدیریت.....	۶
۱-۲-ب- معنای اصطلاحی مدیریت.....	۶
۱-۲-ج- معنای لغوی فرهنگ.....	۷
۱-۲-د- معنای اصطلاحی فرهنگ.....	۸
۱-۲-هـ- تعریف مدیریت فرهنگی.....	۹
۱-۳- بیان مسئله.....	۱۰
۱-۴- سؤالات پژوهش.....	۱۱
۱-۵- فرضیات.....	۱۱
۱-۶- بیان اهداف.....	۱۱
۱-۷- ضرورت انجام پژوهش.....	۱۲
۱-۸- روش انجام پژوهش	۱۲
۱-۹- کاربردهای متصور پژوهش.....	۱۲
فصل دوم : پیشینه و اصول و مبانی مدیریت فرهنگی.....	۱۳
بخش اول: پیشینه معرفی مبانی مدیریت فرهنگی.....	۱۴
۱-۱- علم مدیریت چگونگی ایجاد مدیریت فرهنگی.....	۱۵
۱-۲- تعریف مدیریت فرهنگی و سطوح فرهنگ.....	۱۹
۱-۳- جهت گیری های مدیریت فرهنگی.....	۲۰
۱-۴- فرهنگ مدیریت فرهنگی.....	۲۰
۱-۵- مهندسی فرهنگی.....	۲۲
بخش دوم : مبانی تحول فرهنگی	۲۳
۱-۲- تحول فرهنگی و الزامات آن.....	۲۳
۲-۲- مدیریت تحول فرهنگی و مراحل آن.....	۲۶
۳-۲- اهداف مدیریت تحول فرهنگی.....	۲۷
۴-۲- مهارتهای دهگانه مدیران فرهنگی برای تحول فرهنگی	۲۸
بخش سوم : فرافرنگ و جهانشمولی در مدیریت فرهنگی.....	۳۳
۱-۳- تفاوت مدیریت فرهنگی غربی و مدیریت فرهنگی اسلامی در مباحث فرا فرهنگی	۳۳
۲-۳- دیدگاه معقول اسلامی در مدیریت فرهنگی.....	۳۵
بخش چهارم : ضرورتها و اصول مدیریت فرهنگی.....	۳۷
۱-۴- ضرورتهای مدیریت فرهنگی.....	۳۷

۳۹.....	۲-۴- نگاهی به اصول مدیریت فرهنگی و اصول مدیریت اسلامی.....
۴۴.....	بخش پنجم : ویژگیهای نظام ارزشی مدیریت فرهنگ اسلامی.....
۴۴.....	۵-۱- نظام ارزشی مدیریت در فرهنگ اسلامی.....
۴۴.....	۵-۱-الف- ضرورت‌های وجود جهانی‌ی اسلامی.....
۴۵.....	۵-۱-ب- ارزش ها.....
۴۵.....	۵-۱-ج- فرهنگ سازمانی فردی و جمعی.....
۴۷.....	۵-۲- حوزه های تاثیر نظام ارزشی فرهنگ اسلامی.....
۴۸.....	۵-۳- تجلی فرهنگ اسلامی در عرصه مدیریت.....
۴۹.....	بخش ششم : اخلاق اسلامی و فرهنگ سازمانی.....
۴۹.....	۶-۱- کاربرد مدیریت فرهنگی در سازمان
۴۹.....	۶-۱-الف- تعریف سازمان.....
۴۹.....	۶-۱-ب- مدیریت فرهنگی در سازمان.....
۵۰.....	۶-۲- اخلاق اسلامی زمینه ساز فرهنگ سازمانی.....
۵۱.....	۶-۳- ضرورت ترویج اخلاق حرفه ای اسلامی در سازمان.....
۵۴.....	فصل سوم : جایگاه مدیریت فرهنگی در اسلام.....
۵۴.....	بخش اول : تعریف و ایجاد مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم.....
۵۴.....	۱-۱- مدیریت از منظر قرآن کریم.....
۵۶.....	۱-۲- چگونگی ایجاد مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم.....
۵۸.....	۱-۳- منابع و متون مدیریت در فرهنگ اسلام.....
۶۰.....	۱-۴- ویژگیهای فرهنگ مذهبی اسلام.....
۷۱.....	بخش دوم : اصول و ضرورت‌های مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم.....
۷۱.....	۲-۱- اصول اولیه مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم.....
۷۴.....	۲-۲- ضرورت مدیریت فرهنگی از منظر قرآن و احادیث.....
۷۶.....	۲-۳- ضرورت مدیریت فرهنگی از دیدگاه معصومین(ع).....
۷۹.....	بخش سوم : مبانی مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم.....
۷۹.....	۳-۱- برنامه ریزی و سازمان دهی از منظر قرآن.....
۷۹.....	۳-۱-الف- اهمیت برنامه ریزی در فرهنگ اسلامی
۸۱.....	۳-۱-ب- برنامه ریزی استراتژیک از منظر قرآن.....
۸۳.....	۳-۱-ج- سازمان منسجم و هماهنگ از منظر قرآن.....
۸۴.....	۳-۲- رهبری و نظارت و کنترل از منظر قرآن.....
۸۴.....	۳-۲-الف- اهمیت رهبری.....
۸۶.....	۳-۲-ب- سیره ی رهبران دینی در نظارت.....
۸۸.....	بخش چهارم : نگاه قرآن به انسان در مدیریت فرهنگی.....
۸۸.....	۴-۱- انسان از دیدگاه قرآن.....
۹۰.....	۴-۲- انسان و توسعه از منظر قرآن.....

- ۴-۳- ویژگی های مدیران فرهنگی از منظر قرآن..... ۹۱
- بخش پنجم: جایگاه اخلاق در مدیریت فرهنگ اسلامی..... ۹۳
- ۵-۱- اصول و روشهای اخلاقی حاکم بر مدیریت نبوی ۹۳
- ۵-۱-الف- اصول اخلاق اجتماعی در سیره پیامبر اکرم..... ۹۳
- ۵-۱-ب- روشهای اخلاقی حاکم بر مدیریت نبوی..... ۹۶
- بخش ششم: اهمیت مدیریت فرهنگی در مسئله غدیر خم..... ۱۰۱
- ۶-۱- ضرورت وجود امام..... ۱۰۱
- ۶-۲- شیوه های مدیریتی امام علی(ع)..... ۱۰۲
- ۶-۳- عوامل فراموشی حادثه غدیر خم..... ۱۰۳
- بخش هفتم: نقش مهدویت در مدیریت فرهنگی..... ۱۱۹
- ۷-۱- نقش انتظار در مدیریت فرهنگی..... ۱۰۴
- ۷-۲- ارتباط انتظار و حکومت اسلامی..... ۱۰۵
- ۷-۳- اثرات مهدویت در مدیریت فرهنگ اسلامی..... ۱۰۵
- ۷-۴- تاثیر مهدویت بر مدیریت فرهنگی - اسلامی معاصر..... ۱۰۶
- ۷-۴-الف- انواع نگرشها به مهدویت..... ۱۰۶
- ۷-۴-ب- برخی نتایج اعتقاد به مهدویت در مدیریت فرهنگی - اجتماعی..... ۱۰۷
- ۷-۴-ج- موانع پیش رو..... ۱۰۸
- ۷-۵- خصوصیات حکومت جهانی ولی عصر (عج)..... ۱۰۹
- بخش هشتم: مرجعیت و مدیریت فرهنگی..... ۱۱۰
- ۸-۱- رهبری امام خمینی(ره) و مدیریت فرهنگی..... ۱۱۰
- ۸-۲- رهبری امام خمینی رهبری به سبک پیامبر اکرم..... ۱۱۲
- ۸-۳- قدرت مرجعیت در فرهنگ اسلامی..... ۱۱۲
- نتیجه گیری..... ۱۱۴
- منابع و مأخذ..... ۱۱۶

چکیده

مدیریت فرهنگی در کشور ما به عنوان کشوری اسلامی و دینی با تکیه بر دستورات قرآن کریم و الگو قرار دادن انبیای الهی به عنوان بزرگ ترین مدیران فرهنگی مستلزم رعایت قواعد و اصول محکم دینی و قرآنی است که توجه و تدقیق و عمل به این اصول دامنه و گسترده سیاستها را مشخص و حیطه عمل مدیران را ترسیم می کند.

استفاده از الگوها و دستورات قرآنی از زمینه های اساسی توانمندی مدیریت فرهنگی است چرا که انبیای الهی مصلحان بزرگ و از افراد دغدغه مند جهت اصلاح، رشد و ارتقاء جوامع بشری هستند و تقید به حرکت در چهارچوب وحی الهی از نکات مهم و کلیدی در مدیریت فرهنگی است.

مدیریت فرهنگی صحیح و اثربخش و کارگشا زمانی اتفاق می افتد که مدیران فرهنگی کشور با انس و ارتباط عمیق با قرآن کریم و حرکت در چهارچوب اصول و دستورات محکم و غنی قرآنی گام برداشته و در این مسیر تلاش و کوششی مناسب و مطابق با همان اصول و دستورات داشته باشند. چرا که حرکت و تلاش در صورتی موثر و کارساز است که با رعایت اصول حاکم بر آن هدف پیش رود و در غیر این صورت ناقص و شکسته خواهد بود.

باتوجه به اهمیت ترویج اصول حاکم بر فعالیتهای فرهنگی متخذ از قرآن کریم و در راستای ایجاد وحدت رویه و هدف و با عنایت به تفرق در برخی موارد در بیان بعضی از مدیران فرهنگی لازم است اصلاح و ارتقای نگاه مجموعه دست اندرکاران و مدیران فرهنگی و بازسازی و همسویی در جامعه مدیریت فرهنگی بر اساس اصول هدایتگر قرآن مدنظر باشد.

بنابراین برای رفع خلاء و عدم وحدت رویه مزبور لازم است اصول حاکم بر مدیریت های فرهنگ محور از قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) و معصومین علیهم السلام استخراج و برای مدیران جوامع دینی عرضه شود. باتوجه به این مسئله منبع تحقیق، متن قرآن کریم و سنت معصومان (ع) با تاکید بر پیامبر اعظم (ص) و امیرالمومنین (ع) تعیین شده است لذا این تحقیق به صورت کتابخانه ای و توصیفی تحلیلی انجام شده است. چون موضوع تحقیق ارائه اصول حاکم بر مدیریت فرهنگی بر اساس مهم ترین منبع معرفتی دینی است با مطالعه و پژوهش در قرآن و کمک از کتب و مقالات مرتبط و بدون در نظر گرفتن وضعیت فعلی مدیریت فرهنگی به بیان اصول صحیح قرآنی پرداخته و قابلیت تطبیق شرایط کنونی را با معیارقرآن برای هر فرد و یا شخص علاقه مند مهیا می سازد.

همچنین هدف از انجام این پژوهش استخراج و استنباط اصول مدیریت فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم و ارائه یک نمای کلی و جامع از اهمیت و شاخص های مهم و ضروری و اصلی مدیریت فرهنگی از نظر قرآن کریم

ارائه فهرستی از ویژگی های مهم مدیریت فرهنگی که مورد نظر و تاکید قرآن کریم است و بیان آن با دیگر الگوهای مدیریت فرهنگی و نیز بیان و لزوم یکسان سازی و نیاز ارتقا و همسویی مدیران فرهنگی از فرهنگ و اهداف مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم و ایجاد منبعی برای ارائه راهکارها و شیوه های اجرایی مدیریتی در حوزه فرهنگ متناسب و همسان با مجموعه موردنظر و ترسیم خطوط روشن در عرصه های گوناگون فرهنگی برای مدیران، کارشناسان و علاقه مندان به مباحث فرهنگی، باشد که با ارائه این مهم نقشی در اصلاح مدیریت کشور ایفا نماییم .

واژگان کلیدی : مدیریت، فرهنگ، قرآن کریم، مدیریت فرهنگی

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

"مسئله فرهنگ" و "مدیریت فرهنگی" در انقلاب اسلامی از مباحث مهم و اساسی است که بواسطه رسالت های اختصاصی این نظام مقدس در تقویت باورها، ارزش ها و استقرار احکام و اخلاق اسلامی در همه روابط فردی و اجتماعی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

اگرچه جامعه دینی و نوپای مابه یمن پیروی از مکتب نورانی اهل بیت (علیهم السلام) و گام برداشتن در مسیر نورانی هدایت آنان، دارای فرهنگی پربر، با سابقه ای درخشان و آموزه هایی جاودان است و دست پروردگان این فرهنگ، از مفاخر تمدن بشری اند، اما انتقال این مفاهیم و آموزه های دینی به صورت روشمند و کاربردی، و بر اساس آموزه های وحیانی و مبانی قرآنی به آحاد جامعه، مقوله ای است کاملاً متمایز که به مهارت ها، تخصص ها و ظرافت های فراوان نیاز دارد. بدون تردید، روش درست در به کار گرفتن آنها از سوی فرهنگ بانان و فرهنگ سازان، موجب پیشبرد و توسعه این حرکت خواهد شد.

ماهیت نظام جمهوری اسلامی و فلسفه شکل گیری آن بر این مبنا استوار است که همه سیاست ها، اقدامات و تلاش هایی را که برای سازندگی مادی و معنوی جامعه اتخاذ می نماید به تربیتی سامان دهد که حاصل آن تقویت، گسترش و تعمیق اعتقادات و ارزش های دینی، پذیرش قلبی و درونی احکام الهی از سوی افراد جامعه و مراعات اخلاق اسلامی در روابط فردی و اجتماعی باشد.

همانطور که امیرالمومنین علی (ع) در فلسفه پذیرش حکومت فرمودند:

خدایا تو میدانی که آنچه از جانب ما در پذیرش امر خلافت اجرا شد، هرگز برای قدرت طلبی یا زیاده جویی از بهره های دنیوی نبوده، بلکه برای این بوده که نشانه های دین تو را به جای خود برگردانیم و در شهرهای تو اصلاح را ظاهر کنیم، تا بندگان ستم دیده ات در امنیت به سر برند و قوانین و احکام رها شده تو بار دیگر اجرا گردد.

اهمیت مسئله فرهنگ و مدیریت آن در راستای انتقال صحیح و درست آن بر کسی پوشیده نیست، اما بواسطه ماهیت استقلال طلبی و استکبار ستیزی و عدالت جویانه نظام مقدس جمهوری اسلامی که بر مدار فطرت انسان با الهام از آموزه های وحیانی قرار دارد از سوی قدرت های بین المللی با انواع دسیسه ها و توطئه ها روبه رو است.

یکی از ابعاد مهم تلاش های دشمن در ایجاد اختلال در روند پیشرفت ایران اسلامی، تلاش سازمان یافته در تضعیف مزیت های فرهنگی جامعه و کاهش نفوذ و تاثیر اعتقادات و باورهای دینی در همه اقشار جامعه، بویژه در بین نسل جوان، نخبگان و افراد موثر در تحولات اجتماعی است.

داشتن تلقی مشترک از فرهنگ، کارکرد و تاثیر آن در تمام عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بین مدیران و صاحب نظران به عنوان اولین ضرورت در مدیریت فرهنگی است. شناخت عوامل اصلی تغییر و تحول فرهنگی جامعه، چگونگی انتقال و حفظ فرهنگ اصیل اسلامی، راههای مبارزه با تهاجم فرهنگی و چگونگی طرح شیوه های عملیاتی که موجب رشد اخلاق، معنویت، عدالت و استقرار هرچه بیشتر قوانین الهی و اخلاق اسلامی می شود از وظایف مدیران فرهنگی است.

از این رو لازم است تصمیم گیران و تصمیم سازان و کلیه افراد موثر در جامعه بمنظور پیشرفت و تعمیق فرهنگ اصیل اسلامی با تلاش مستمر و بلند مدت در این راستا گام برداشته و ضمن شناخت اصول و مبانی مدیریت فرهنگ و مدیریت فرهنگی برگرفته از قرآن و سنت و با هدایت و راهبری رهبر معظم انقلاب نسبت به این مهم اهتمام ورزند.

نظام فرهنگی کشور در یک حرکت جمعی باید اندیشه منسجمی را در قالب مدیریت فرهنگی در بین همه عناصر موثر در فرهنگ، بویژه نخبگان جامعه پیرامون مفهوم و کارکرد فرهنگ و دین در جامعه اسلامی ایران بوجود آورد.

در تفکر اصیل اسلامی هیچ سازمان اجتماعی از اصلاح فرهنگ جامعه مبرا نیست. کلام عمیق حضرت امام که خطاب به فرماندهان سپاه مطرح نموده اند خود گویای این واقعیت است:

«باید شما دیگران را هم تربیت کنید، همه اشخاصی که در هر مرکزی هستند باید آن مرکز را به صورت یک تعلیم گاه در بیاورند، همان طوری که در صدر اسلام، آن که رئیس دولت بود و آن که سردار بود، سرلشگر بود، با اعمال خودشان مردم را تربیت می کردند، با حرف های خودشان، با کردار خودشان مردم را تربیت می کردند باید ما که دعوی این را داریم که مسلمان هستیم و تابع اولیای اسلام هستیم، باید ما هم با کردار و رفتار خودمان مردم را تربیت کنیم.»

لذا در این تحقیق با مراجعه به متون اسلامی (قرآن و احادیث) و با برداشتی از مباحث اصلی مدیریت و فرهنگ، و با استمداد از علما و دانشمندان آشنا به این مقولات، سعی داریم تا گوشه ای از اصول مدیریت فرهنگی را با رویکردی اسلامی و قرآنی که رعایت آن منجر به رشد و تعالی و هدایت آدمی گردد را بیان کنیم.

دین اسلام بعنوان آخرین دین الهی و دین عملی از کوچکترین و ساده ترین تا پیچیده ترین اصول و مسایلی که بشر با آنها مواجه است راه حل ارائه نموده است یکی از این اصول، مدیریت جامعه و مدیریت فرهنگی می باشد که گاه این راه حل ها بصورت واضح و روشن ارائه شده و نیازمند دانش تخصصی نیست و گاهی این قوانین و آموزه های زندگی در درون مفاهیم دیگر و یا بصورت کلی تر و متفاوت تر مانند داستان زندگی پیامبران، امامان، دشمنان اسلام، زنان پاکدامن و غیره .. منعکس شده و یا در سنت و سیره پیامبر و امامان بصورت عملی در پیش روی ما قرار دارد که نیازمند استخراج آنها و بکارگیری جهت سعادت دنیوی و اخروی می باشد. در روش مدیریتی فرهنگی - اسلامی سعی بر استخراج مدل های موفق مدیریت از قرآن و سنت نبوی و مدیریت علوی و همچنین تاثیر فرهنگ عاشورایی و مهدویت بر مدیریت اسلامی می باشد.

۲-۱- تعاریف

اصطلاح "مدیریت فرهنگی" مرکب از دو واژه "مدیریت" و "فرهنگ" است و فهم دقیق معنای این اصطلاح در گرو فهم معنای دو واژه یاد شده است. لذا نخست کاوشی در معنا و مفهوم اجزاء این اصطلاح خواهیم داشت و پس از آن واژه "مدیریت فرهنگی" را نیز تعریف خواهیم کرد:

لازم به نظر می رسد قبل از تعریف واژه "مدیریت" اشاره ای به پیشینه، قدمت و اهمیت آن داشته باشیم. برای مدیریت تعاریف گوناگونی ارائه شده است و هر کس بر اساس ساختار و بافت ذهنی و فکری و همچنین بنیانهای اندیشه خویش، از مدیریت تعریف و توصیفی داشته و دارد. از تعاریف مدیریت، نمونه هایی در ذیل آورده شده است.

۱-۲-الف- معنای لغوی مدیریت

مدیریت در لغت، مصدر جعلی است که از ریشه "دور" اخذ شده است. طبق قواعد، واو ماقبل مفتوح، قلب به الف شده و به صورت "دار" در می آید. که به معنای خانه، منزل، محل دوران و رفت و آمد، و آمد و شد است. شکل متعدی این کلمه "ادار" است که به معنای به حرکت درآوردن و گردانیدن است و از این رو "مدیر" که اسم فاعل است به معنای "به گردش و چرخش در آورنده امور می باشد". با این توضیح معلوم میشود که مدیریت به معنای اداره کردن است.

۱-۲-ب- معنای اصطلاحی مدیریت

مراد از معنای اصطلاحی، معنایی است که صاحب نظران و متخصصان علم و دانش مدیریت از این واژه ارائه کرده اند. هریک از صاحب نظران و دانشمندان علم مدیریت برحسب نوع دیدگاه و بینش و نیز فلسفه و نظام آموزشی و اعتقادی مورد قبول خویش، تعریف هایی از این واژه ارائه کرده اند. تنوع و تکرار تعاریف به اندازه ای است که ادعای عدم دستیابی به یک تعریف مورد وفاق و اجماعی، چندان گزاف نمی باشد. ارائه پاره ای از این تعاریف، جهت روشن شدن مقصود از این واژه، مفید به نظر میرسد:

۱. علم و هنر متشکل و هماهنگ کردن رهبری و کنترل فعالیتهای دسته جمعی برای نیل به هدفهای مطلوب با حداکثر کارایی. (سازمان و مدیریت - علی محمد اقتداری ص ۶۱)
۲. کارکردن با افراد و به وسیله افراد و گروه ها برای تحقق هدف های سازمانی. (مدیریت رفتار سازمانی - رابینز ص ۱۳)
۳. مدیریت عبارت است از هماهنگ سازی منابع انسانی و مادی در جهت تحقق و تکمیل هدف ها. (کاستک و رزنویک)
۴. مدیریت، انجام کارها به وسیله دیگران است. (پیتر دراگر)
۵. مدیریت عبارت است از کاربرد تکنیک های مختلف اداره امور یک گروه انسانی و هماهنگ نمودن کلیه فعالیتهای یک سازمان برای نیل به هدف معین و مشخص و راهنمایی و راهبری رهبران سازمان که آنها را مدیران و یا سرپرستان سازمانی می نامند. (تئوری های مدیریت ص ۲۳)

۶. مدیریت عبارت است از، استفاده بهینه از منابع انسانی و غیر انسانی در جهت تحقق اهداف از پیش تعیین شده، با توجه به قوانین حاکم. (امامت و رهبری - شهید مطهری ص ۲۳۵)
۷. مدیریت انسان ها و رهبری آنها، عبارت است از فن بهتر بسیج کردن و بهتر سامان دادن و بهتر سازمان دادن و بهتر کنترل کردن نیروهای انسانی و به کار بردن آنها. (همان ص ۲۳۵)
۸. فایول مدیریت را به عنوان مفهومی که از پنج عنصر تشکیل می شود تعریف میکند که آن عناصر عبارتند از:

الف) برنامه ریزی

ب) سازماندهی: شکل دادن به ساختار انسانی و مادی سازمانی.

ج) هدایت و رهبری: ایجاد کار برای کارکنان و حفظ روحیه تلاشگری در آنان.

د) کنترل: نظارت بر جریان تطابق آنچه اتفاق می افتد با مقررات کتبی و دستورات شفاهی. در دنیای مدیریت اسلامی رعایت قوانین شرع مقدس از مهمترین مسائل بوده و باید با حساسیت بسیار دنبال شود.

اسلام نه کاپیتالیسم و سرمایه داری غرب است که تنها جهت تولید و سود بیشتر به عنوان اصلی ترین هدف، برنامه ارائه می کند و نه دین مسیحیت امروز است که در چهارچوب خشک کلیسا محصور شده و برای اداره جامعه برنامه نداشته باشد، بلکه دینی است که جهت اداره، رهبری و مدیریت جامعه برنامه ارائه می کند، اما در سوئی که حقوق انسانی افراد بشر رعایت شود و ضمن ایجاد حرکت و پویایی بیشتر، انسان ها را در مسیر مستقیم و الهی خود رشد دهد. (مدیریت اسلامی - محمدحسن نبوی ص ۳۳)

برای فهم دومین جزء از اصطلاح «مدیریت فرهنگی» کاوشی در معنا و مفهوم "فرهنگ" خواهیم داشت.

۲-۱-ج- معنای لغوی فرهنگ

واژه فرهنگ در فارسی، معادل کلمه ثقافه در عربی و culture در انگلیسی است. این کلمه در اصل به معنای «کشت و کار» و «پرورش جسمی» بوده است که در برخی اصطلاحات و ترکیبات نیز هنوز در این معنا به کار می رود. به مرور زمان و با استعمال آن از سوی جامعه شناسان و مردم شناسان و به طور کلی دانشمندان علوم اجتماعی در معانی جدید، تحول معنایی در این واژه رخ داده است.

در زبان فارسی نیز فرهنگ گرچه کلمه ای مرکب از فر به معنای (نور، بزرگی و شرکت) و هنگ به معنای (سنگینی و قار، قصد و اراده، آهنگ کاری و چیزی کردن، قوم و قبیله، فوج سپاه) می باشد، اما به شکل مرکب آن در معانی دیگری همچون دانش و فرزاندگی، خرد و عقل سلیم، تدبیر و سنجیدگی، کتاب لغت، حرفه و فن و هنر، تیزهوشی و ادب و اخلاق، و آموزش و پرورش آمده است.

۲-۱-۵- معنای اصطلاحی فرهنگ

اولین تعریف رسمی از این واژه، توسط ادوارد تایلور صورت گرفت. وی در کتاب فرهنگ ابتدایی خود، این واژه را چنین تعریف کرده است: فرهنگ... مجموعه پیچیده ایست که دربرگیرنده دانستنی ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عنصری از جامعه به دست می آورد.

اما این تعریف، به کلیت مورد قبول دانشمندان دیگر قرار نگرفت و هر یک با دیدگاه خویش تعریفی از این واژه ارائه کرده اند.

با یک مرور ساده بر ادبیات فرهنگ متوجه می شویم که تعاریف بسیار متنوعی از فرهنگ وجود دارد. زیرا فرهنگ مقوله ای پیچیده و مناقشه انگیز است، و شاید به تعداد متفکرانی که در حوزه فرهنگ فعالیتی قابل توجه داشته اند، بتوان تعریف ارائه کرد، که در اینجا به چند مورد اشاره می شود.

پاره ای از تعاریفی که از واژه فرهنگ صورت گرفته است ذیلاً ارائه می شود:

فرهنگ نظام وارهای است از «عقاید و باورهای اساسی»، «ارزش ها، آداب و الگوهای رفتاری» ریشه دار و دیرپا و «نمادها» و «مصنوعات» که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می دهد و هویت آن را می سازد. (نقشه مهندسی فرهنگ کشور، ۱۳۹۲)

«مایریس» تعریفی تاریخی از فرهنگ ارائه می کند: «فرهنگ آن چیزی است که از گذشته آدمیان بازمانده است، در اکنون ایشان عمل می کند و آینده شان را شکل می دهد».

فرهنگ؛ نامریی ترین و آشکارترین بخش زندگی انسان است. نامرئی بودن آن از این جهت است که یک مقوله درونی است و با نظام ارزشی نهادینه شده در وجود آدمی ارتباط تنگاتنگ دارد. می توان گفت که ارزش ها؛ درونی ترین و مبنایی ترین عنصر فرهنگ را تشکیل می دهند و همه رفتارها و حالات فرد و جامعه از آن ها ریشه می گیرد. فرهنگ در هر جامعه به مثابه روح در پیکر است که موجب حیات و بقای جامعه می شود. (ملکی، ۱۳۸۸)

فرهنگ عبارت است از بعد معنوی، درونی و پنهانی جامعه که ظهور و بروز آن در همه رفتارها و ساختارها و هنجارهای اجتماعی به چشم می خورد. در تعریف فرهنگ، عناصر مطرح در فرهنگ را می توان به دو بخش تقسیم کرد. دسته اول عناصر ریشه ای و دسته دوم عناصر ابزاری، قالبی و نمادین. فرهنگ اسلامی به همین معنی است که عناصر ریشه ای فرهنگ جامعه از آبشخور منابع اسلامی و از اصول، آرمان ها، باورها و ارزش های اسلامی برخوردار شده و هرچه بیشتر به آن نزدیک شده باشد. (فرهنگ معیار - علی ذوعلم ص ۳۰)

فرهنگ نظامی است در هم تنیده از جهان بینی، اعتقادات، ارزش ها، هنجارها، الگوهای رفتاری و نمادهای نسبتاً پایدار جامعه که به صورت اجتناب ناپذیر بر همه مناسبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه

تاثیرگذار و تاثیر پذیر می باشد. (مستند به تعریف پذیرفته شده در کمیسیون تخصصی مهندسی فرهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی)

پس؛ اگر از ما بپرسند فرهنگ چیست باید بگوییم فرهنگ عدم است نه به معنی عدم مطلق بلکه به معنی چیزی که به بیان اهل فلسفه از آن خبر داده نمی شود یعنی هیچ صفتی ندارد. عدمی که وجودها از آن بیرون می آیند. فرهنگ ساری بر همه شئون است. اگر باشد همه چیز هست. (فرهنگ، خرد، آزادی - داوری اردکانی، ۱۳۷۹)

فرهنگ در گفتار امام خمینی (ره):

فرهنگ مبدأ همه خوشبختی ها و بدبختی های ملت است، اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان هایی که تربیت می شود به این تربیت های ناصالح، اینها در آینده فساد ایجاد می کنند. (صحیفه نور ج ۱ ص ۲۷۳)

درباره فرهنگ هرچه گفته شود کم است و می دانید و می دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک کشور پیدا شود، دیری نخواهد گذشت که انحراف فرهنگی بر همه غلبه می کند. (صحیفه نور ج ۱۷ ص ۲۰۳)

فرهنگ به عنوان، مجموعه جامعی از اعتقادات، نگرش ها، ارزش ها، هنجارها و رفتارهای مبتنی بر آن که با همه عرصه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در تعامل است. در علوم جدید جامعه شناسی و مردم شناسی نیز پذیرفته شده است و دانشمندانی چون پارسونز با ارائه مدلی، حضور فرهنگ در تعامل با همه ابعاد جامعه پذیرفته است و فرهنگ را به عنوان یکی از عوامل مهم انسجام دهنده کل فعالیت های افراد یک جامعه می داند که بصورت تاثیر متقابل عمل می کند. (مدیریت توسعه فرهنگ عمومی - حسن بنیانان ص ۲۵)

۲-۱-۵- تعریف مدیریت فرهنگی

پس از تعریف و بیان معنای دو واژه مدیریت و فرهنگ، و با توجه به تفاوت ها و نوع نگرش به این دو مقوله از سوی صاحب نظران، می توان چنین نتیجه گرفت که برای تعریف مدیریت فرهنگی نیز این تفاوت ها و اختلاف نگرش ها وجود دارد و با تعاریف متعدد و متفاوتی از مقوله ای به نام مدیریت فرهنگی روبرو خواهیم بود.

برخی نگرش های موجود به اهمیت، ضرورت و لزوم مدیریت فرهنگی اشاره کرده و آن را امری بسیار مهم و حیاتی بر می شمارند. در عین حال نگرش دیگری هم وجود دارد که آنچنان اهمیت و ضرورتی را برای این مقوله قائل نبوده و توجه خاصی به آن ننموده اند.

امروزه نظریه های مدیریت فرهنگی در مدیریت ادغام شده و از هم تفکیک نمی شود و با اسامی مختلف و بدون بکارگیری نام مدیریت فرهنگی کاربرد فراوان یافته است.

متأسفانه بسیاری از دانش آموخته های مدیریت بدلیل عدم آشنایی با دانش مدیریت فرهنگی فکر می کنند که مدیریت فرهنگی فقط در سازمان های فرهنگی قابل استفاده است و اطلاع ندارند که وجه قالب آنچه

امروز در جهان با عنوان دانش مدیریت عرضه می شود نتیجه بکارگیری تئوری های فرهنگی و اصول و مفاهیم مدیریت فرهنگی است.

در ایران نگرش مدیریت فرهنگی کمتر شناخته شده است و متأسفانه دانشکده های مدیریت نتوانسته اند مدیریت فرهنگی و جایگاه آن را بشناسند.

در جهان تئوریهای مدیریت فرهنگی را با نام های مختلف بکار برده اند چرا که فهم غالب برخی افراد بر این ادعا است که مداخله در امور فرهنگی امر صحیحی نیست و در حالیکه غرب از این دانش بهره های فراوان برده است تلاشی برای شناساندن آن به کشورهای در حال توسعه نکرده است. (محسن فردرو)

اهتمام به مدیریت فرهنگی به عنوان یک مقوله جدی مدیریتی، در اواخر قرن نوزدهم مطرح شد. در این میان سازمان یونسکو بیشترین فعالیت را در این زمینه انجام داده است. «از سال ۱۹۷۰ به بعد یونسکو کنفرانس های بین دولتی متعددی در سطوح جهانی و منطقه ای درباره سیاست های فرهنگی برگزار کرده است. یونسکو در تمام این کنفرانس ها، موضوع مدیریت فرهنگی را مطرح نموده و خواستار نهادی آموزشی برای تربیت کارکنان واجد صلاحیت در توسعه فرهنگی، بویژه در رشته های برنامه ریزی و مدیریت فرهنگی، پژوهش در زمینه فرهنگ و ارتقای فرهنگ شده است» (آموزش حرفه ای مدیران فرهنگی - پیرمولینیر ص ۱۲)

مدیریت فرهنگی دانشی میان رشته ای است و فرآیند مدیریت و عملکرد آگاهانه به هدایت و بهره گیری صحیح از دانش فرهنگی در مسیر پیشرفت برنامه ها و در جهت اهداف و راهبردهای مورد نظر نظام خط مشی گذاری و سازمان است.

۳-۱- بیان مسئله

مدیریت یک فرآیند مشتمل بر مجموعه ای از فعالیت های منظم و مرتبط با یکدیگر است. مدیریت فرهنگی نیز از این امر مستثنا نیست. نهایت اینکه تفاوت مدیریت فرهنگی با سایر مدیریت ها نه در اسم، بلکه در نحوه و محتوای این گونه فعالیت هاست. مدیریت فرهنگی مجموعه عوامل و مدیرانی است که در حوزه اجرایی و هماهنگی و برای رشد و تعالی معنوی انسان فعالیت می کنند.

از طرفی با توجه به اینکه در مدیریت فرهنگی، انسان نقش اساسی و موثر را ایفا می کند، و مخاطب اصلی در مدیریت فرهنگی انسان است شناخت توانمندی ها و ویژگی های انسان مهم و مطرح است. همچنین در مدیریت فرهنگی محوریت با فرهنگ دینی است و دین است که انسان ساز بوده و توانایی لازم جهت ساختن یک جامعه مطلوب و شایسته را داراست.

مدیریت فرهنگی در کشور ما به عنوان کشوری اسلامی و دینی با تکیه بر دستورات قرآن کریم و الگو قرار دادن انبیای الهی به عنوان بزرگ ترین مدیران فرهنگی مستلزم رعایت قواعد و اصول محکم دینی و قرآنی است که توجه و تدقیق و عمل به این اصول دامنه و گسترده سیاستها را مشخص و حیطه عمل مدیران را ترسیم می کند.

استفاده از الگوها و دستورات قرآنی از زمینه های اساسی توانمندی مدیریت فرهنگی است چرا که انبیای الهی مصلحان بزرگ و از افراد دغدغه مند جهت اصلاح، رشد و ارتقاء جوامع بشری هستند و تقید به حرکت در چهارچوب وحی الهی از نکات مهم و کلیدی در مدیریت فرهنگی است. مدیریت فرهنگی صحیح و اثربخش و کارگشا زمانی اتفاق می افتد که مدیران فرهنگی کشور با انس و ارتباط عمیق با قرآن کریم و حرکت در چهارچوب اصول و دستورات محکم و غنی قرآنی گام برداشته و در این مسیر تلاش و کوششی مناسب و مطابق با همان اصول و دستورات داشته باشند. چرا که حرکت و تلاش در صورتی موثر و کارساز است که با رعایت اصول حاکم بر آن هدف پیش رود و در غیر این صورت ناقص و شکسته خواهد بود.

۴-۱- سوالات پژوهش

در اینجا سعی بر این است که به سوالات زیر پاسخ گفته شود:

۱. تعریف مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم چیست ؟
۲. تفاوت مدیریت فرهنگی با دیگر مدیریت ها در چیست ؟
۳. قرآن کریم به عنوان مرجع و منبع دین اسلام و کتاب هدایت انسانها و جامعه ی انسانی چه اصولی را برای مدیریت فرهنگی بیان مینماید ؟

۵-۱- فرضیات

۱. مدیریت فرهنگی از منظر اسلام عبارتست از چگونگی تدبیر و اداره امور در جامعه بر اساس مبانی، اصول و روشهای انسان شناختی اسلام.
۲. از اصول اصلی و کلیدی مدیریت فرهنگی مبتنی بر آیات قرآن کریم، "کسب معرفت صحیح، اخلاق محوری، روحیه جهادی، آینده نگری امیدوارانه، حساسیت نسبت به سرنوشت امت، فرصت سنجی و..." می باشند.
۳. در مدیریت فرهنگی بر خلاف دیگر انواع مدیریت و یا بیش از آنها:
الف) انسان و تربیت و تزکیه آن موضوعیت و محوریت دارد
ب) باورها، ارزش ها و جهان بینی انسان و تغییر و تکامل آن لازم و ضروری می باشد.
ج) تقویت و تحکیم زیرساختهای فکری و عملی ارزش محور در اغلب فعالیتهای تاثیر مستقیم را داراست .

۱-۶- بیان اهداف

- استخراج و استنباط اصول مدیریت فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم
- ارائه یک نمای کلی و جامع از اهمیت و شاخص های مهم و ضروری و اصلی مدیریت فرهنگی از نظر قرآن کریم

- ارائه فهرستی از ویژگی های مهم مدیریت فرهنگی که مورد نظر و تاکید قرآن کریم است و بیان آن با دیگری الگوهای مدیریت فرهنگی.

۷-۱- ضرورت انجام پژوهش

باتوجه به اهمیت ترویج اصول حاکم بر فعالیتهای فرهنگی متخذ از قرآن کریم و در راستای ایجاد وحدت رویه و هدف و با عنایت به تفرق در برخی موارد در بیان بعضی از مدیران فرهنگی لازم استاصلاح و ارتقای نگاه مجموعه دست اندرکاران و مدیران فرهنگی و بازسازی و همسویی در جامعه مدیریت فرهنگی بر اساس اصول هدایتگر قرآن مدنظر باشد.

بنابراین برای رفع خلاء و عدم وحدت رویه مزبور لازم است اصول حاکم بر مدیریت های فرهنگ محور از قرآن کریم و سنت پیامبر اسلام (ص) و معصومین علیهم السلام استخراج و برای مدیران جوامع دینی عرضه شود.

۸-۱- روش انجام پژوهش

باتوجه به اینکه محدوده منبع تحقیق متن قرآن کریم و سنت معصومان (ع) با تاکید بر پیامبر اعظم (ص) و امیرالمومنین (ع) تعیین شده است لذا این تحقیق به صورت کتابخانه ای و توصیفی تحلیلی انجام شده است.

- روش و ابزار گردآوری اطلاعات

چون موضوع تحقیق ارائه اصول حاکم بر مدیریت فرهنگی بر اساس مهم ترین منبع معرفتی دینی است با مطالعه و پژوهش در قرآن و کمک از کتب و مقالات مرتبط و بدون در نظر گرفتن وضعیت فعلی مدیریت فرهنگی به بیان اصول صحیح قرآنی پرداخته و قابلیت تطبیق شرایط کنونی را با معیارقرآن برای هر فرد و یا شخص علاقه مند میسر می سازد .

۹-۱- کاربردهای متصور پژوهش

- بیان و لزوم یکسان سازی و نیاز ارتقا و همسویی مدیران فرهنگی از فرهنگ و اهداف مدیریت فرهنگی از منظر قرآن کریم.

- منبعی برای ارائه راهکارها و شیوه های اجرایی مدیریتی در حوزه فرهنگ متناسب و همسان با مجموعه موردنظر

- ترسیم خطوط روشن در عرصه های گوناگون فرهنگی برای مدیران، کارشناسان و علاقه مندان به مباحث فرهنگی.